

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۷، ویژه علوم سیاسی

رویکردی نوین به مبانی فقهی شیوه تولید قدرت در دولت اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۶/۱۲

سیده صفورا محمدی*

چکیده

در عصر کنونی با پیچیده تر شدن روابط بین المللی به دلیل تغییر در هندسه قدرت، تنظیم روابط کشورها رو به مشکل گرایید. توجه به سرمایه‌های موجود در هر جامعه، نقش مهمی را در باز تولید قدرت هر کشور ایفا می‌کند. اسلام به عنوان کامل ترین دین و فقه شیعه به طور خاص، دارای ظرفیت‌های نابی در تولید قدرت بر اساس منابع و تبدیل آن به سرمایه و تبدیل سرمایه به قدرت، جهت اقتدار دولت اسلامی است. دولت اسلامی برای افزایش توانمندی خود در نحوه تولید قدرت بر اساس مبانی فقهی اسلام بر دو رکن اساسی استوار است که نیازمند شناسایی، تولید و کاربردی کردن هریک از آن هاست. این دو رکن، که از جمله مفروضات این تحقیق به شمار می‌روند، عبارتند از: الف) در بعد سخت قدرت، افزایش توانمندی دولت در بعد نظامی از طریق بالا بردن توان دفاعی، در بعد اقتصادی، بر اساس احکام ابواب «زکات»، «خمس»، «انفال» و در بعد سیاسی، ارتقاء اقتدار در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است که تولید این قدرت از طریق «احیاء ارزش‌های اسلامی» و «هویت دینی-ملی» است. در بعد نرم قدرت نیز با توجه به مولفه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس اصولی چون: «تالیف القلوب»، «تشکیل امت واحده»، «دعوت»، «بسیج مردمی» و «ساخت رویه‌های اجتماعی از طریق احکام شرعی» است. ب) رکن دوم از مولفه‌های اصلی قدرت در فقه سیاسی اسلام که سبب ضابطه مند شدن تولید و اعمال قدرت و مانع از انحراف در مسیر کسب و کاربرد قدرت می‌گردد، اصل «ولایت» است که مهم ترین شاخص در حل معضلات قدرت است. این تحقیق، به دنبال پاسخ به این سوال که مبانی فقهی شیوه تولید قدرت در دولت اسلامی چیست از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بر اساس منابع اسلامی می‌باشد و از جمله دستاوردهای آن می‌توان به تولید، تضمین و کاربرد قدرت بر اساس مولفه‌های بی‌شمار اسلام، اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: مبانی فقهی، دولت اسلامی، قدرت، قدرت سخت، قدرت نرم.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم ۷.

مقدمه

از آن جا که یکی از اهداف بزرگ انبیاء تشکیل حکومت بر پایه عدالت بود، در این راستا از تمامی عناصر، برای شکل‌گیری آن استفاده می‌کردند تا جامعه‌ای بر اساس عدل بر پا کنند که از همه خطرات ایمن بمانند و در لوای آن امنیت، راه رشد و تعالی را طی نمایند. یکی از این عناصر که نقش مهمی ایفا می‌کرد، قدرت بود؛ که به وسیله آن می‌توانستند به دفاع از مظلوم و سرکوب ستمگران پردازند. نظام سیاسی اسلام، خصوصاً فقه سیاسی دارای ظرفیت‌ها و کارآمدی بنیادینی است که توفیق در آن، موجب ارتقای نظام اسلامی است که یکی از شاخص‌های اصلی کارآمدی آن تولید قدرت است؛ قدرت در اسلام دارای مولفه‌ها و عناصر ریشه‌ای است که شناسایی، کاربرد و تولید هر یک از این عناصر و مولفه‌ها تاثیر بسزایی در اقتدار نظام سیاسی اسلام دارد. همچنین چگونگی تولید قدرت در نظام اسلامی با توجه به ظرفیت‌ها و توان و منابع قدرت و محذورات هر نظام سیاسی نیازمند یک مدیریت ظرفیت‌هاست که از عوامل مهم قدرت به شمار می‌رود.

با تشکیل انقلاب اسلامی ایران و هجوم انواع تهاجم به اشکال مختلف، همچنین طرح و برنامه ریزی جدید از سوی دشمنان در این برهه از زمان، ضرورت راه‌های مقابله با آن را می‌طلبد که یکی از راه‌های مقابله، تولید قدرت در عرصه داخلی و خارجی است.

مبانی فقهی شیوه تولید قدرت در دولت اسلامی بر دو رکن استوار است:

الف) افزایش توانمندی دولت اسلامی در ابعاد نظامی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و مالی و سیاسی: بر اساس احکام ابواب زکوه، خمس و انفال از بعد قدرت اقتصادی، جهاد از بعد قدرت نظامی و دفاعی، ولایت، حج، امر به معروف و نهی از منکر، تشکیل امت واحده از مهم‌ترین شیوه‌های تولید قدرت اجتماعی و سیاسی دولت اسلامی است.

همچنین اصل تألیف قلوب، اصل دعوت و ساخت رویه‌های اجتماعی از طریق احکام شرعی (سبک زندگی اسلامی) از مهم‌ترین عناصر تولید قدرت نرم در دولت اسلامی است. (ب) ضابطه مند سازی تولید و اعمال قدرت از طریق انحصار ولایت و حاکمیت دولت به فقها جهت تضمین جلوگیری از انحراف در مسیر کسب و کاربرد قدرت.

همچنین قدرت یکی از مباحث مهم در علوم سیاسی است و امروزه به قدری حائز اهمیت است که به‌نوعی مورد توجه تمامی جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران و حاکمان جهان قرار گرفته است. از جمله آثار مهمی که در این حوزه وجود دارد، می‌توان به کتاب «دراسات نوشته: حسینعلی منتظری»، کتاب «الولایه الهیه الاسلامیه نوشته: محمد مومن قمی»، کتاب «فقه سیاسی نوشته: عمید زنجانی»، کتاب «نظام سیاسی اسلام نوشته: محسن اراکی» و کتاب «فقه و نظریه دولت نوشته: حسن رحیم پور ازغدی» اشاره نمود. با توجه به این آثار ارزشمند، مشخص گردید که هیچ کدام از آن‌ها به شیوه تولید قدرت به طور منسجم نپرداختند و اغلب آن‌ها با پرداختن به مسائل پیرامون قدرت سعی در بیان مطالب متعددی در این زمینه داشتند بنابراین مقاله حاضر، رویکردی نو را در چگونگی تولید قدرت در دولت اسلامی بر پایه منابع اسلامی دنبال می‌نماید.

مبانی نظری

ورود به هر بحث، نیازمند شناسایی و گردآوری اطلاعات مورد نیاز حول آن موضوع می‌باشد تا با شناخت کامل و تحلیل آن، بتوان جایگاه و ضرورت آن را مورد بررسی قرار داده و به نتایج و اهداف مطلوب دست پیدا کرد. لذا در این جا به بررسی چند مفهوم کلیدی در ارتباط با مقاله می‌پردازیم.

مبانی فقهی: مبانی هر رشته و یا هر چیزی عبارت است از: پایه‌هایی که آن چیز بر آن‌ها بنا گردیده و استقرار یافته است و به سخن دیگر مبانی آن اصول کلی هستند که

مسائل هر رشته بر آن‌ها بنا نهاده می‌شود. بدین ترتیب «مبانی فقهی» همان اصول و مبناهایی هستند که پایه‌های فقهی ما بر آن بنا نهاده می‌شود؛ و لذا در اینجا منظور از مبانی فقهی در حقیقت همان منابع و منشأهای عقلی و شرعی شیوه تولید قدرت در مکتب تشیع است. (قیاسی، ۱۳۸۷، صص ۳۶-۳۷)

دولت اسلامی: دولتی است که در آن ساخت عمومی قدرت سیاسی و یا حداقل شرایط حاکمان از طریق معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف شود. (فیرحی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹)

قدرت: در گسترده‌ترین معنا، توانایی به دست آوردن نتیجه‌ای مطلوب است؛ و گاه به صورت «قدرت» انجام دادن کار به آن اشاره می‌شود. قدرت انجام کار شامل هر کاری است؛ از توانایی زنده ماندن گرفته تا توانایی حکومت در پیشبرد رشد اقتصادی. اما در سیاست، منظور از قدرت یک رابطه است: یعنی، توانایی تأثیر گذاشتن بر رفتار دیگران به صورتی که خواست آن‌ها نباشد. این معنا قدرت را با اصطلاح «قدرت بر» مردم مشخص می‌کنند. به بیان دقیق‌تر، قدرت با توانایی کیفر دادن و پاداش دادن پیوند دارد که آن را نه به «نفوذ» که شامل ترغیب و تشویق منطقی است. بلکه به اعمال زور یا دست کاری نزدیک‌تر می‌کند. (هیوود، ۱۳۸۹، ص ۱۳)

قدرت سخت: به صورت توانایی دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب از راه اجبار و پاداش تعریف می‌شود. به گونه‌ای که قدرت از مالکیت منابع و توانایی‌هایی مادی و نظامی و اقتصادی که می‌تواند بر نتایج تأثیر بگذارد ناشی می‌شود؛ گاهی مواقع قدرت سخت به نام قدرت موقعیتی وضعیتی خوانده می‌شود؛ چون این نوع قدرت بر موقعیت وضعیت بازیگر مقابل تأثیر مثبت یا منفی دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است موقعیت آن را تقویت یا تضعیف و یا تهدید کند. (پورا احمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۵)

قدرت نرم: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است. (غلامرضایی و نعمتی انارکی، ۱۳۹۴، ص ۸۸)

اهمیت وجوب کسب قدرت

در اندیشه سیاسی اسلام تمرکز و تقسیم قدرت دارای ارزش درون ذاتی نیست و سازو کاری که در این زمینه ارائه می‌دهد با سازوکارهای غرب متفاوت است. در اندیشه اسلام قلمرو قدرت فراتر از بعد طبیعی، انسانی و کمی آن است. همچنین نوع نگرش به قدرت در تفسیر آن بسیار مهم است؛ بر این اساس در اسلام قدرت جنبه آلی و ابزاری دارد و اعتبار آن معطوف به هدفی است که از اعمال قدرت دنبال می‌شود. چنان که امام علی علیه السلام برای حکومت بدون اهداف متعالی از قبیل خواست مردم و پیمان الهی، ارزشی قائل نیست.^۱

وجود قدرت یا پشته‌های قدرت مردمی برای کسی، مشروعیت‌زا نبوده و مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه‌ی اسلامی از اتکای آن به صاحب حقیقی قدرت یعنی خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد؛ لذا استمرار این مشروعیت در گرو حفظ این ارتباط، صرفاً در جهت اعمال حاکمیت الهی و نه حاکمیت شخصی خواهد بود که تبلور آن در لزوم وجود ویژگی‌هایی همچون عدالت و تقوا در صاحبان قدرت سیاسی به شمار خواهد آمد. (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۸۵) همچنین وجوب کسب قدرت از آن جهت که وسیله‌ای برای اجرای حاکمیت الهی است، سزاوار توجه است؛ زیرا قدرت برای حیات بشری نیاز است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ اما این قدرت بایستی در مسیر مشروع یعنی بر حق به کاربرده شود. در این رابطه اسلام تأکید دارد که امت اسلامی نمونه باشند و پرچم‌دار صلح و پاسدار عدالت در سطح جهانی باشند. در تاسیس حکومت اسلامی افراد جامعه اسلامی موظف هستند که دولت اسلامی را تشکیل دهند تا بتوانند وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام دهند و انجام این وظایف بدون یک مرکز سرپرستی ممکن نیست. از طرفی بر اساس عقل که حفظ نظام اجتماع را واجب می‌داند، جامعه اسلامی برای نظم و انضباط و حفظ نظام باید

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

دست به تاسیس سازمان سیاسی بزند که بتواند به تکلیف خود عمل کند و این خود گواه بر آن است که سرچشمه قدرت، خود ملت اسلامی است. (سبحانی، ۱۳۵۸، ص ۲۵)

شیوه‌های تولید قدرت

میزان وجود قدرت در یک نظام سیاسی، بستگی به تعداد و حجم منابع قدرت آن دارد. هرچه تعداد و حجم این منابع بیشتر و وسیع تر باشد، قدرت یک کشور با ضریب تاثیر گذاری بالایی ظهور و بروز کند. همچنین چگونگی شیوه تولید قدرت از این منابع از اهمیت ویژه‌ای در تعیین مناسبات و حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی دارد. یکی از گونه‌های مختلف قدرت، منبع مولد قدرت است که در قدرت شناسی از سابقه‌ی دیرینه‌ای برخوردار است و امروزه نیز به عنوان مؤلفه‌ی اصلی در تعریف قدرت سخت و قدرت نرم به کار می‌رود؛ از این منظر می‌توان منابع را به دو گونه منابع سخت قدرت و منابع نرم قدرت از هم تفکیک نمود. (زرقانی، ۱۳۸۸، صص ۲۰۸-۲۰۹)

وصف بارز منابع سخت، «عینیت» آن‌ها است که مواردی چون تسلیحات، پول، تعداد و... را شامل می‌شود؛ همچنین مواردی از قبیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی، هنجارهای اجتماعی، دین و... اگرچه مقولاتی عینی به شمار نمی‌آیند، اما می‌توانند همچون منابع سخت افزارانه، قدرت تولید نمایند و از این حیث بسیار مهم ارزیابی می‌شوند؛ (میلسن، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) دلیل این اهمیت به نقش‌آفرینی این منابع در سطح هویت‌سازی بازمی‌گردد که حکایت از آن دارد که منابع هویت ساز می‌توانند هدف مهمی در جنگ‌های نرم باشند؛ زیرا جنگ نرم بیشتر «منابع نرم قدرت» را هدف قرار می‌دهد و از این رو می‌توان آن را اقدامی ارزیابی کرد که در پی تضعیف و یا غیرفعال سازی منابع اعتقادی، ایمانی، انسانی و... قدرت بازیگر مقابل بوده است. حال آن که در جنگ سخت عمدتاً منابع سخت‌افزاری قدرت حریف، مورد هجوم قرار می‌گیرد. برای مثال خداوند متعال در سوره‌ی

مبارکه‌ی مائده، در مقام تضعیف دشمن که اقدام به عملیات نظامی بر ضد مسلمانان کرده است، نیروی انسانی ایشان را هدف قرار داده و با تعیین مجازاتی برای ایشان، امکان مقابله با تعرضات دشمن از طریق ایجاد ضعف در نیروی انسانی اش را، برای مسلمانان فراهم می‌سازد. در واقع یکی از منابع سخت قدرت دشمن را که در الگوی رزمی امنیتی آن عصر از اهمیت محوری برخوردار بود، هدف قرار می‌دهد؛ آن جا که قتل و یا تبعید ایشان را مجاز می‌شمارد: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ...»^۱

همین رویکرد در خصوص سایر منابع سخت‌افزاری لحاظ شده و تخریب پایگاه‌ها و منابع موردتکای دشمن، یا حفاظت از تسلیحات نیروهای خودی در مقابل تعرض دشمن^۲ و... مورد تأکید واقع شده است. در مقابل بر تقویت منابع نرم‌افزاری مانند اخلاق، توان ارائه استدلال، وحدت و انسجام و... نیز تأکید شده که از توان تأثیرگذاری بالایی در معادلات قدرت برخوردار دارند. برای مثال «خُلِقَ حَسَنٌ» را به عنوان قدرت نفوذ و تسخیر قلب‌ها می‌شناسند که در صورت ضعف آن، افراد و گروه‌های اجتماعی، که در حکم یک منبع سخت‌افزارانه‌ی قدرت هستند، پراکنده و توان اقدام جبهه‌ی اسلامی زایل می‌شود؛^۳ چنان که از نیرنگ به مثابه یکی از منابع نامشروع قدرت نرم کافران یاد شده که مورد توجه کفار و منافقان است؛^۴ و یا از «دروغ پردازی» به عنوان مشی‌ء ناصوابی یاد شده که فاسد کننده قدرت اصیل و مولد فرصت و توانی صوری و غیرواقعی است که به زودی در برابر

۱. سوره مائده (۵) آیه ۳۳.

۲. سوره نساء (۴) آیه ۱۰۲.

۳. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۴. سوره بقره (۲) آیه ۹.

جبهه‌ی حق رو به زوال می‌گذارد و سرنوشت تمامی اقوامی که در مقابل رسولان الهی راه عناد را برگزیدند، مؤید این معناست.^۱

چون هریک از منابع قدرت از لحاظ کمی و کیفی دارای مولفه‌های متنوع هستند و در این نوشتار به برخی از مولفه‌ها که نقش مهمی در تولید قدرت دولت اسلامی دارند، اشاره می‌شود.

۱- شیوه تولید قدرت سخت (مادی) در دولت اسلامی

با توجه به تلقی‌های مختلف از قدرت، می‌توان مهم‌ترین منابع مادی و سخت قدرت را جمعیت، سرزمین، وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، توان و بنیه نظامی، توسعه و توان اقتصادی و فناوری نام برد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶)

در این جا به برخی از ابعاد تولید قدرت سخت براساس منابع مادی مانند شیوه تولید قدرت نظامی که نقش حیاتی در مقابل تهدیدات دشمنان و استقلال کشور دارد و شیوه تولید قدرت اقتصادی که زیر بنای امنیت عمومی است و همچنین شیوه تولید قدرت سیاسی که در عرصه بین‌المللی دارای اهمیت است، می‌پردازیم.

۱-۱- شیوه تولید قدرت نظامی

یکی از عوامل و منابع مهم ملی که در سیاست خارجی نقش مهمی را بازی می‌کند، قدرت نظامی یک کشور است. (محمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۵) قدرت نظامی، یکی از عناصر راهبردی قدرت ملی است. ملتی قدرتمند است که توانایی تبدیل همه عناصر قدرت به قدرت نظامی را داشته باشد؛ زیرا آن چه که یک کشور را قادر می‌سازد تا منابع، بازیگران

۱. سوره شعراء (۲۶) آیه ۱۷۶ / سوره حجر (۱۵) آیه ۸۰.

و نتایج بین‌المللی را کنترل کند، قدرت و توان نظامی آن کشور است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱)

مهم‌ترین عناصر و مولفه‌های قدرت نظامی عبارتند از فناوری نظامی و دفاعی، فرماندهی و رهبری نظامی در به‌کارگیری بهینه منابع موجود در زمان مناسب برای کسب نتایج حداکثری، توان اطلاعاتی و ضد اطلاعات نظامی به معنای کسب اطلاعات راهبردی از ظرفیت، تعداد محل استقرار و تحرکات دشمن در زمان جنگ و صلح؛ همچنین روحیه‌ی نیروهای نظامی به معنای آمادگی و از خود گذشتگی آنان برای دفاع از ارزش‌های ملی اعم از مادی و معنوی، نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت نظامی یک کشور دارد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲)

۱-۲- شیوه تولید قدرت اقتصادی

اصولاً توانایی و قدرت اقتصادی هر کشوری نه‌تنها در حفظ استقلال و حاکمیت ملی نقش مهمی را بازی می‌کند، بلکه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، پویای کشوری که دارای اهداف وسیع سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی جهانی است، مهم‌ترین عامل و اهرم به‌شمار می‌رود. شرط ضروری در استفاده از عامل اقتصادی، قطع وابستگی‌های اقتصادی و رسیدن به مرحله‌ی خودکفائی است تا امکان مقابله با فشارهای خارج در این زمینه را فراهم آورد. (محمدی، ۱۳۶۶، صص ۱۰۸-۱۰۹) مرحوم آیت‌الله صدر در کتاب «اقتصاد ما»، امر خودکفایی را برای امت اسلامی به عنوان مهم‌ترین هدف اقتصادی می‌داند. وی با تفسیر آیه‌ی آخر سوره‌ی فتح بیان می‌دارد که در این آیه امت اسلامی به یک بذر تشبیه شده‌اند که شکوفه می‌دهد، قوی ترمی شود و نهایتاً راست قامت و محکم می‌ایستد.^۱ (صدر، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۳۶۶)

۱. سوره فتح (۴۸) آیه ۲۹.

در هر حال یک کشور، زمانی می‌تواند به خوداتکایی اقتصادی برسد که اقداماتی را که در خارج از مرزهایش اتخاذ می‌شود، نتواند در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی او خلل اساسی ایجاد کند.

شیوه تولید قدرت اقتصادی بر اساس منابع مالی دولت اسلامی

بی‌گمان اداره‌ی جوامع و تاسیس دولت و به عهده گرفتن امور اجتماعی و عمومی مردم در زمینه‌های مختلف، جز با هزینه کردن امکان‌پذیر نیست؛ به هر اندازه دامنه یک حکومت گسترده‌تر و انتظارات مردم از دولت بیشتر باشد، اداره‌ی آن جامعه به بودجه و اعتبار بیشتری نیازمند است. در اسلام هم اهمیت مال برای حفظ و بقاء دین و دولت مورد توجه قرار گرفته است و بیان منابع مالی در کتاب و سنت مانند زکات، صدقات، خمس، غنائم جنگ و انفال، نشان دهنده اهمیت این مساله است. (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۶، صص ۲۳-۲۴)

الف) زکات

زکات زیر بنای اساسی ساختار مالی در حکومت اسلامی و یکی از ارکان ساختار کلی اسلام است. اهمیت آن به درجه‌ای بعد از نماز است که بیش از بیست آیه قرآن پس از دستور به نماز امر به دادن زکات شده است و وجوب آن از مسلمات و جزء ضروریات دین است و انکار آن موجب کفر و خروج از دین خواهد بود. (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۸)

براین اساس هدف اساسی و اصلی از تشریح زکات و گرفتن آن، پاک کردن افراد جامعه از آلودگی‌ها و حقوق دیگران و گناه‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و ساختن و پیشرفت آنان در ابعاد گسترده است. دولت اسلامی برای رسیدن به این مقصد بالای انسانی و الهی طبعاً باید برنامه‌ریزی کند و از درآمدی که از این منبع عظیم به دست می‌آورد، برای نیل به آن اهداف مقدس بهره‌مند گردد. (بیات، ۱۳۶۵، ص ۱۶)

ب) خمس

خمس به عنوان یکی از واجبات مالی در شریعت اسلامی بسیار تاکید شده است. با بررسی آیات و روایات می‌توان دریافت که فلسفه وجوب پرداخت خمس فقط بر طرف کردن نیاز مالی بعضی از سادات نمی‌تواند باشد؛ بلکه باید گفت دین مبین اسلام از آن به عنوان وسیله‌ای مهم در تامین منابع مالی استفاده کرده است. (قمی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۳۴)

عده‌ای از فقها خمس را اختصاص به حاکم اسلامی می‌دانند و آن این که خمس ملک و حق شخصی هیچ کس نیست؛ بلکه خمس، ملک منصب امام و مقام امامت و رهبری حکومت اسلامی است؛ پس خمس از آن خداوند و در طول آن متعلق به رسول خدا(ص) و در طول آن، متعلق به امام است که در اختیار دولت اسلامی قرار می‌گیرد.

اولین کسی که به این نظریه تصریح کرده و به تمام جوانب آن اشاره کرد، امام خمینی(ره) است. ایشان در کتاب البیع، خمس را متعلق به منصب امامت و ولایت دانسته‌اند. تصرف در آن را تنها با اثبات ولایت برای فقیه ممکن می‌دانند. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۹۱)

ج) انفال

در قانون اساسی آمده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل معادن، دریاها، بیشه‌های طبیعی، مراعاتی که حریم نیست، اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود و... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.» (جهانگیر، ۱۳۹۵، اصل چهارم و پنجم)

۱-۳- شیوه تولید قدرت سیاسی

منابع ملی در هر کشوری زمانی کارایی لازم را در پیشبرد اهداف سیاست خارجی به دست خواهند آورد که آن کشور دارای نظام سیاسی قوی و دولتی منسجم و پایدار از حمایت مردمی، امنیت داخلی و حاکمیت قانون برخوردار باشد تا بتواند از بهره‌ی صحیح در جهت مصالح جامعه خود به دست آورد. (محمدی، ۱۳۶۶، صص ۱۰۲-۱۰۵)

۲- شیوه تولید قدرت نرم (معنوی)

هر کشوری برای شناخت ارتقاء منزلت خود، باید هم به مقدرات داخلی و هم به محدودرات و ملزومات بین‌المللی توجه کند. در هر یک از این دو حوزه، دسته‌ای از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود دارند که می‌تواند به عنوان عامل قدرت ساز در صعود و افول منزلت یک کشور ایفای نقش نماید. در این میان، کشورهایی که از منابع سخت‌افزاری چندانی برخوردار نیستند، بیشتر به استفاده از عوامل نرم‌افزاری روی آوردند. (اصغری ثانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳)

بدون تردید فعالیت‌هایی که دولت‌ها برای خلق تصویری مطلوب از کشور خود در اذهان بیگانگان انجام می‌دهند، پدیده‌ی تازه‌ای نیست و قدمتی طولانی دارد. (حق پناه، ۱۳۹۳، ص ۱۷)

با توجه به این مطلب، دولت اسلامی می‌تواند دو نکته را از نظریه قدرت نرم وام بگیرد: ۱. دغدغه حفظ و تقویت جایگاه دولت اسلامی در نظام بین‌الملل. ۲. بهره‌گیری از برخی روش‌های مورد استفاده در اعمال قدرت نرم (قهرمانپور، ۱۳۸۹، صص ۱۴۷-۱۷۲)؛ ولی متأسفانه همواره یک اصل در دولت اسلامی مورد مغفول واقع شده است و آن ظرفیت‌های استفاده‌نشده کشور در حوزه قدرت نرم است که اگر با مدیریت صحیح توأم شود، فضای فراوانی را برای تحرک عمیق نظام در لایه‌های بین‌المللی فراهم می‌آورد.

قدرت نرم در دولت اسلامی از نوع رشد محور به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید است و مولفه‌های آن دین‌مداری، مردم‌سالاری، فرهنگ شهادت، مهدویت، عدالت و اصول استقلال و آزادی است. در دولت اسلامی استحکام سرمایه‌های نرم داخلی، رهیافتی برای مصاف با استکبار جهانی است. (جعفر حق پناه، ص ۲۲)

مؤلفه‌ها و عناصر تولید قدرت نرم در دولت اسلامی

مؤلفه‌های معنوی قدرت نرم در ساحت‌های گوناگون قابل جستجو است. در حوزه‌ی فرهنگی موارد و مصادیقی مانند ارزش‌های دینی، ایمان و روحیه‌ی معنوی، نظام اخلاقی و... هر یک می‌تواند عنصر تشکیل‌دهنده‌ی قدرت باشد. در حوزه‌ی سیاسی مواردی چون قائل شدن کرامت برای انسان، احساس هویت و عزت اسلامی، پیروی از رهبری، پیوند عمیق میان دولت و مردم و وحدت ملی قابل طرح و تأکید است. این مؤلفه‌ها و مولفه‌های دیگر در دنیای امروز از عنصرهای تشکیل‌دهنده‌ی قدرت سیاسی به شمار می‌آیند. در اینجا به برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم که دارای جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی و قرآنی دارد، می‌پردازیم:

الف) اصل تألیف قلوب

تألیف قلوب به عنوان یکی از مولفه‌های نرم قدرت و یک اصل کلی جهت تقویت امنیت و گسترش اسلام مورد استفاده است.

همچنین یکی از اصول و مبانی بسیار مهم در سیاست خارجی و دیپلماسی اسلام، در نظر گرفتن اصل «تألیف قلوب» در روابط خارجی، ارتباط با ملت‌ها، گروه‌ها، افراد و شخصیت‌هاست. این اصل به خصوص به مثابه‌ی یک عامل بنیادین، طراح بسیاری از مسائل مربوط به سیاست خارجی حکومت اسلامی به شمار می‌رود. مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی محرومین، مظلومین و مستضعفین جهان و به تعاقب آن نهضت‌های

آزادی‌بخش، ضد استعمار و ضد سلطه در سطح جهان، بر اساس اصل منصوص تألیف قلوب مورد حمایت دولت اسلامی قرار می‌گیرند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ص ۳۱۴)

امام خمینی در مورد ضرورت کسب و تولید این نوع از قدرت می‌فرماید: «آن چیزی که با ارشاد حاصل بشود، قلب مردم را بر می‌گرداند و این کار، این هنر از اسلام می‌آید، نه با یک توپ و تانک بخواهد کار کند.» (بیکی و خرمشاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶) همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند؛ شما کاری کنید که مردم به شما متوجه بشوند... کاری نکنید که دل مردم را به دست بیاورید.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۵۳)

ب) اصل دعوت

دعوت از احکام منصوصه اسلامی بوده و جزء ضروریات دین به شمار آمده است. به منظور برقراری تفاهم با کسانی که در جرگه‌ی اسلام نیستند، حتی پاره‌ای از اصول و عقاید دیگران که از نظر اسلام قابل قبول نیست، از آن معتقدات در استراتژی دعوت صرف‌نظر می‌گردد. عنصر دعوت از عناصر مهم دولت اسلامی است که در سیاست خارجی آن از جایگاه مهمی برخوردار است. (غفوری، ۱۳۸۷، ص ۷۷)

در فقه اسلامی کلمه‌ی دعوت با توجه به ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌شود به عنوان یک اصل شناخته می‌گردد: (۱) اساس و مبانی مورد تبلیغ و دعوت مشخص باشد. محور مورد نظر دعوت‌کننده که مردم را به اسلام دعوت می‌نماید، باید اعتقاد به وحدانیت و یگانگی خدا و نبوت حضرت محمد(ص)، اطاعت از اوامر و دستورات خدا و رسول او و عمل به قوانین فردی و اجتماعی-الهی اسلام باشد. (۲) احکام و قوانین آن مبتنی بر تکلیف و وظیفه باشد. (۳) آغاز آن از توحید و سپس نبوت باشد. (۴) با قرآن و سنت تعارض نداشته باشد. (۵) حالتی عام و کلی داشته باشد. (بهشتی و باهنر، ۱۳۶۶، ص ۴۳)

ج) ساخت رویه‌های اجتماعی از طریق احکام شرعی (سبک زندگی اسلامی)

تولید قدرت نرم در قالب عادات اجتماعی، یکی از اهداف دولت اسلامی است؛ زیرا در هر جامعه‌ای همواره اصلاح و بازاندیشی در رفتارها و برنامه‌ها مطلوب است. خداوند در قرآن از زبان حضرت شعیب علیه السلام بیان می‌کند: «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»^۱ من قصدی جز اصلاح (جامعه) تا آن جا که بتوانم، ندارم. باستناد این آیه دعوت و پیام اسلام، اصلاح بزرگی است که همه‌ی آحاد انسانی را دربرمی‌گیرد. در نتیجه این دین بر اعتماد بر عقل آزاد تأکید دارد و در پی باطل کردن هر آن چیزی است که دلیل واقع‌گرایانه‌ای بر آن وجود ندارد. (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۲۲۳۹)

سبک زندگی، به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های حیات فرهنگی و اجتماعی جوامع محسوب گشته که در شیوه و نوع حیات افراد جامعه تبلور می‌یابد؛ از این رو اسلام به عنوان یک دین جامع، تمام ابعاد زندگی را بیان نموده و در بعد تحقق عملی سبک زندگی اسلامی نیز الگوهای مطلوبی برای اجرای آن ارائه داده است؛ اما متأسفانه در دنیای اسلام، مسلمانان تحت تأثیر قدرت‌های خارجی، با استعمار فرهنگی مواجه شده و بسیاری از مردم به خصوص نسل جوان با تأثیرپذیری از تهاجم فرهنگ، بسیاری از باورهای اصیل اسلامی را از دست داده‌اند. لذا در این موقعیت پیروی از فرهنگ زندگی اصیل اسلامی و درونی‌سازی آن، آغازی برای اجرای تحقق اهداف اسلامی در دنیای معاصر است و ضروری است تا با فرهنگ‌سازی در زمینه‌های مختلف، بتوان نوع زندگی متناسب با فرهنگ اسلامی را ترویج نمود. (خواجه سروری و اقبال، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

اسلامی بودن سبک زندگی، به این معناست که سبک زندگی بتواند بستر ساز «عبودیت

۱. سوره هود (۱۱) آیه ۸۸.

الهی» در حیات انسانی باشد. بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد.^۱

د) بسیج و مشارکت مردمی

بسیج در ساخت قدرت نرم دولت اسلامی، در فرآیند ارتباطات میان فرهنگی در میان کنش گران بین‌المللی، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند که بر تأثیر نظام اسلامی بیفزاید. موفقیت این ارتباطات میان فرهنگی، مستلزم ارائه تصویری از ارزش‌های نهاد بسیج در جامعه داخلی می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۷۴) بسیجی به دلیل مبانی فکری و ارزشی که برخاسته از فرهنگ ناب اسلامی است با یاران و هم‌فکران خود به رافت برخورد کرده و دشمنان را از خود می‌راند. فرهنگ بسیجی، آسیب‌شناسی اصول و مبانی تفکر بسیجی و به‌روز کردن پایه‌ها و محتوای فرهنگ بسیجی راهی است که می‌توان از طریق آن با تهاجم فرهنگی به مقابله برخاست. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶) امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «هر قدرتی اگر از حمایت و تایید ملتش برخوردار نباشد، در معرض سقوط و فروپاشی است.» (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵)

ترویج و نهادینه کردن تفکر و فرهنگ بسیجی، آسیب‌شناسی اصول و مبانی تفکر بسیجی و به‌روز کردن پایه‌ها و محتوای فرهنگ بسیجی راهی است که می‌توان از طریق آن با تهاجم فرهنگی به مقابله برخاست. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶)

و) تشکیل امت واحد

وحدت اسلامی و ایجاد بلوک قدرتمند اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که متفکران و مصلحان مسلمان تاکنون با اتکا به تعالیم عالیه اسلامی پیگیر آن بوده‌اند و در مقابله با نظام سلطه جهان آن را به عنوان یک برنامه با راهبرد در ابعاد و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی، ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱.

اشکال مختلف، متناسب با شرایط و مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند. بی‌شک دستیابی به چنین اتحادی در نظام جهانی کنونی بدون داشتن ابزارهای نوین غیرممکن است. اصول و مشترکات وحیانی و آموزه‌های دینی جهان اسلام بهترین زمینه شکل‌گیری وحدت همگرایی جهان اسلام در برابر بیگانگان است. این وحدت همگرایی می‌تواند زمینه تشکیل بزرگ‌ترین قدرت دینی در جهان را فراهم آورد و معادلات و قطب‌بندی قدرت‌های سیاسی را در روابط بین‌الملل به نفع حاکمیت اسلام و قدرت مسلمانان تغییر دهد. (شیداییان، ۱۳۹۲، ص ۲۴۷)

ولایت به عنوان تضمین سلامت تولید و کاربرد قدرت

موضوع ولایت فقیه خصوصاً بحث رهبری و قدرت از دیدگاه باورهای دینی به ویژه دین مبین اسلام از موضوعات مهم فقهی است که دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. جامعه بشری برای رسیدن به قله‌ی کمال، نیازمند یک نظام سیاسی است که بر پایه دستورات الهی بنا شده باشد و با اقتدار به اجرای احکام، همت گمارد. فقه شیعه، رهبری را امری الهی می‌داند و در زمان حضور به رهبری امام معصوم علیه السلام و در زمان غیبت به امامت فقیه جامع‌الشرایط ایمان دارد و حکومت را تنها وسیله‌ای برای خدمت به بندگان خدا، ارزشمند می‌شمارد.

ولایت به عنوان بارزترین نمونه قدرت

از آن جایی که در نظام حکومتی اسلام، همه چیز به راس هرم باز می‌گردد، نمونه بارز قدرت نیز راس هرم است که همان ولایت و رهبری است. رهبر بعنوان کلید واجبات است و حاکمیت فقیه و اعمال ولایت او که همان مهندسی نظام در اجرا می‌باشد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. همچنین تبلیغ و ترویج احکام اسلامی، باید از کانال قدرت صورت گیرد. تنها عاملی که می‌تواند ضامن تحقق اصول و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) در

جامعه باشد، تحصیل قدرت بر اجراست که آن نیز در سایه تشکیل حکومت و زعامت و رهبری امکان پذیر است. (حسینیان، ۱۳۸۳، ص ۲۰)

قرآن کریم پس از تبیین جایگاه رفیع ذات اقدس ربوبی و نقش خالقیت و ربوبیت حضرت حق موضوع رهبری مردم در تمامی ابعاد فردی، اجتماعی و در گستره ی مادی و معنوی را مطرح فرموده است. در احادیث اسلامی نیز مسئله رهبری با عنوان ولایت، به جهت عدم غفلت مردم به موضوع مهم رهبری و اقتدار ملی، تبیین گردیده است.

قرآن کریم اصل وجود رهبری برای اقوام و ملل را چنین تبیین فرموده و آن را مسئله دنیوی و اخروی ترسیم نموده است: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَصْلٌ سَبِيلًا»^۱ به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایانشان می خوانیم آن ها که نامه عملشان به دست راستشان است آن را-با شادی و سرور- می خوانند به اندازه رشته ای که در وسط تنده خرما است به آن ها ظلم نمی شود. و هر کس در این دنیا -آیات الهی و راه حق و حقیقت و صواب- را نبیند در آن جهان نیز نابینا و کور است و گمراه تر.

آیات در این رابطه هشدار می دهد که همه افراد بشر که در انتخاب رهبر، فوق العاده دقیق باشند؛ زیرا سرنوشت سعادت مند انسان وابستگی شدیدی به رهبریت و هدایتی است که در زندگی خود انتخاب می کند و زمام امور خود را به وی می سپارد. بر این اساس است که خداوند مسئولیت تعیین رهبر را خود به عهده گرفته است: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۲ و-به یاد بیاور- هنگامی که خداوند متعال، ابراهیم را با وسائل گوناگون امتحان فرمود و او

۱. سوره اسراء (۱۷) آیه ۷۱-۷۲.

۲. سوره بقره (۲) آیه ۱۲۴.

بخوبی از عهده آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم گفت: از دودمان من نیز امامانی قرار بده! خداوند فرمود: پیمان من [یعنی منصب امامت] به ستمکاران نمی‌رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و مطهر و معصوم باشند، شایسته این مقام والا و اعلیند].

باید توجه داشت که اقتدار رهبری سرمایه‌ای بسیار مهم برای رهنمون شدن جامعه به سوی اقتدار است و الهی بودن رهبری نیز نشانه‌ای از ضرورت دارا بودن تمامی ویژگی‌هایی که در قرآن کریم برای رهبران صالح شمرده شده است، می‌باشد؛ از این رو رهبری مقتدر الهی، عاملی برای تحقق اقتدار ملی است. (محمودی خراسانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵)

انحصار ولایت به فقها جهت جلوگیری از انحراف قدرت

فقه ما بر خلاف فقه سایر مذاهب اسلام که واقعیتی جز در علم و اندیشه قانون گذاران ندارد، واقعیت محفوظ و لایتغیری دارد. ضرورت ولایت تا آنجاست که به فرموده امام(ره) حکومت فلسفه عملی حل مشکلات جامعه است و تا آن جا که مصلحت جامعه را به خطر نیندازد، آزادانه صورت می‌پذیرد. لیکن در صورت تزامم و تعارض با حق اجتماعی، اراده ی رهبری و اراده حکومت اسلامی بر اراده ی فرد حاکم و مقدم می‌گردد. ولایت شامل همه امور فردی و جمعی است و بدون آن، زندگی اجتماعی قابل تحقق نیست. لذا باید گفت بدون استثنا در تمام حکومت‌های فردی، دموکراسی و... دولت، باید ولایت مطلقه داشته باشد. (آذری قمی، ۱۳۷۱، صص ۶۶-۶۷)

در روایات اسلامی بر این مطلب تاکید شده است که: عن الإمام الباقر عليه السلام؛ قال الله تبارک و تعالی: لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ... از امام باقر عليه السلام نقل است که خداوند فرمود: قطعاً عذاب خواهم کرد هر مردی را که به رهبری امامی

جائر که از سوی خدا منصوب نگردیده است گردن نهد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷۹)

تولید و اعمال قدرت از طریق ضوابط فقهی

در فقه و در حوزه قدرت سه نظریه تولید شده وجود دارد که هر یک می‌تواند دارای بخش‌های مختلفی باشد مرحوم نائینی (نائینی، ۱۳۹۳، ص ۶) که در تنبیه الامه نظریه فقه و قدرت را داده و مرحوم شهید صدر (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۴۲) نیز نظریه دیگری تولید کرده، مرحوم امام نظریه ولایت فقیه را مطرح می‌کند. ولایت فقیه را به عنوان نظریه می‌دهد. یعنی از حوزه طرح، در حوزه اعمال، حتی در حوزه کنترل امام عقایدی دارد که یک نظریه شکل گرفته که نتیجه آن نظریه ولایت فقیه را شکل می‌دهد. برای رسیدن به نظام سازی در فقه قدرت، لازم است سه مرحله را طی شود. (۱) مشروعیت قدرت؛ (۲) اعمال و حفظ توسعه؛ (۳) کنترل پالایش (نظارت قدرت) سپس در گام بعدی، احتمال دارد در مرحله اول رأی مرحوم نائینی و در مرحله دوم، کنترل پالایش از نگاه امام خمینی (ره) استفاده نموده و در مرحله سوم از نظرات شهید صدر استفاده گردد. (سعدی، ۱۳۹۷، ص ۳۴)

با وجود این که انسان، تکویناً آزاد آفریده شده است و هرگز مجبور به پذیرش هیچ حاکمیتی نیست. از این نه در اصل دین روا است؛ «لا اکراه فی الدین»^۱ و نه حکومت دینی می‌تواند اجباری می‌باشد. هر چند که انسان تشریحاً باید دین و حاکمیت الهی را بپذیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۶۷)

تولید، تجهیز و ترکیب منابع قدرت به دست رهبری مقتدر و واجد توانایی‌های استثنایی است رهبری فرهمند (وبر، ۱۳۷۴، ص ۳۹۷) الگویی خاص از قدرت است که برای اولین بار توسط ماکس وبر مورد توجه و بررسی جامعه‌شناسانه قرار گرفت در این

۱. سوره بقره (۲) آیه ۲۵۶.

الگو، محور تولید قدرت، همانا رهبری است که ویژگی‌های استثنایی و متعدد او، وی را از دیگر متفکران و سیاستمداران ممتاز نموده است و همین ویژگی هاست که اقبال و توجه عمومی به آن رهبر را موجب می‌شود و حتی دانشمندان را به طور طبیعی به سوی جاذبه وی کشانده و تحت اوامر او قرار می‌دهد. قدرت، لازم یک رهبری اثر بخش است و ابزاری است که به رهبر، این امکان را می‌دهد تا در دیگران نفوذ کند و رفتار آنان را تحت تاثیر قرار دهد. رهبر با به استخدام گرفتن قدرت در جهت تحقق امنیت داخلی و خارجی در هر زمان و مکان به نصرت و یاری مستضعفان و رهانندن آنان از سرکوب ستمگران باشد؛ مانند ذوالقرنین که در عین برخورداری از عنصر ایمان، از قدرت و مکنت و سلطنت هم بهرمند بوده و عامل موفقیت او در زمینه‌های متعددی گردید.

آن چه که اکنون در راس توطئه‌های جدید استکبار جهانی قرار دارد، تهاجم و بلکه به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «شبیخون فرهنگی» است و در این میان حملات و تهاجمات دشمن بیش از همه متوجه ی اصلی ترین رکن این نظام یعنی ولایت فقیه بوده و هست که توسط ایادی خود و بعضاً دوستان ناآگاه به تخریب و تضعیف جایگاه قانونی آمد، پرداخته است؛ زیرا یقین کرده تنها راه شکست این انقلاب مبارزه با اصل ولایت فقیه و جدا کردن مردم از رهبری نظام است. (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) عالمان دینی به خصوص شیعه بر اساس وظیفه‌ای که دارند خودشان را مکلف به شناخت و ترویج احکام و معارف اسلامی می‌دانند تا با آگاهی و بصیرت بتوانند در صحنه داخلی و خارجی به حل معضلات جامعه بپردازند.

جمع بندی نهایی

قدرت، کلیدی ترین مؤلفه تعیین کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین الملل است. از این رو مورد توجه اندیشمندان و دولت مردان است. در نظام سیاسی اسلام نقش اساسی فقه در حیات سیاسی، اجتماعی مسلمین بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا

اگر نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و تربیتی یک جامعه به طور کامل و واقعی بر اساس فقه اسلام شکل گیرد عدالت و سعادت و وحدت به وجود می‌آید. فقه شیعه که برگرفته از قرآن و سنت است با رویکردی خاص به مساله قدرت پرداخته است که سبب تمایز اندیشه اسلامی نسبت سایر اندیشه‌های دیگر مطرح در جهان امروز گردیده است. فقها در طول تاریخ اسلام بر اساس اوضاع و شرایط زمانی و مکانی به طرح این مساله در ابعاد مختلف ذیل مسائل فقهی مانند حکومت، سلطه، ولایت که این تعابیر با مفهوم قدرت ارتباط محکم و وثیقی وجود دارد، پرداختند هرچند واژه قدرت در کتب فقهاء سلف به طور صریح بیان نشده است. اما در اکثر موارد قدرت را مساوی حکومت می‌دانستند که تحت ولایت الهی به اداره سیاسی و اجرای احکام الهی دارای قدرت و واسطه می‌باشد. ضرورت قدرت در عصر کنونی به حدی است که در تقسیم بندی فقه به ابواب و وجوه متعددی فقهای به نام فقه قدرت مطرح گردید و نظریه پردازان از مرحوم شهید صدر(ره) گرفته تا مرحوم نائینی و امام خمینی(ره) به ضرورت توجه به این مبحث پرداختند.

توجه به قدرت بر اساس یک ضرورت طبیعی و فطری بااستناد آیات و روایات متعدد دولت اسلامی را برآن داشت تا بر اساس مبانی فقهی خود به اثبات کسب و حفظ و چگونگی گسترش قدرت بر اساس ادله فقهی بپردازد؛ زیرا قدرت ابزار ضروری در دولت اسلامی برای برقرای امنیت و عدالت در عرصه داخلی و ممانعت از تهاجم بیگانه و حفظ کيان نظام اسلامی و مقابله با زورگویان در عرصه خارجی است.

دولت اسلامی در عرصه تولید سخت افزارانه قدرت به تولید قدرت و توان نظامی و اقتصادی و سیاسی بر اساس روش اسلام پرداخته است. با توجه به توان و قدرت موجود در خود اسلام می‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. روش بکارگیری صحیح هریک از منابع مادی و انسانی و مدیریت این منابع و بهره بردن از علم و تخصص تاثیر محوری بر مدیریت قدرت دارد. عوامل قدرت را در زمینه نظامی تجهیز و تهیه ابزار نظامی و نحوه

تولید این ابزار به عنوان پشتوانه دولت اسلامی است هرچند هدف از داشتن قدرت نظامی در اسلام کشور گشایی و لشکر کشی نیست بلکه به واسطه آن می‌خواهد فضایی ایجاد کند تا صدای اسلام به گوش همگان برسد. داشتن قدرت نظامی نشانگر قدرت ملی هر کشور در عرصه بین‌المللی است. در زمینه اقتصادی نیز دولت اسلامی به خاطر برخورداری از مواهب الهی و منابع سرشار مادی و داشتن منابع مالی متعددی مانند: زکات، خمس، انفال و... که در اختیار اوست می‌تواند در جهت پیشرفت اقتصادی به امنیت اقتصادی و خود کفایی در عرصه داخلی و پشتوانه‌ای محکم برای اجرای طرح‌های خود در عرصه جهانی باشد. و عامل قدرت را دیگر در زمینه سیاسی است که قدرت سیاسی اسلام با ایجاد وحدت، انسجام و هویت ملی از طریق احیای ارزش‌های اسلامی در عرصه ملی می‌تواند قدرت سیاسی جهان را به نفع حاکمیت اسلام بالا ببرد.

در عرصه نرم افزارانه قدرت دولت اسلامی با تولید قدرت معنوی از طریق گفتمان سازی به اجرای برنامه‌های راهبردی اسلام می‌پردازد. در این عرصه توجه اسلام به قدرت نرم به عنوان عامل سرنوشت ساز و کانون اصلی تولید در کنار سایر عوامل قدرت زار است. بر اساس منابع فقهی معیار قدرت نرم در جامعه اسلامی با اتکا بر وحی الهی و مبتنی بر فطرت الهی انسان است که مصداق کامل آن را در خروج موج اسلام خواهی از دیوار شهر مکه و گسترش آن به جهان است که به هماهنگی میان آموزه‌های وحی با فطرت الهی انسان و در قلوب و فرهنگ‌ها نفوذ کند. قدرت نرم در اسلام با توجه به اصولی و براساس عناصر شرعی و اخلاقی قابلیت باز تولید بر اساس شیوه‌های نوین را دارا است از جمله این اصول اصل تالیف القلوب است که مورد توجه فقهاست؛ زیرا این منبع قدرت با حمایت‌های مالی به جلب افکار جهانیان نسبت به اسلام و ملحق کردن آنان به اسلام به عظمت و شوکت و اقتدار اسلام مدد می‌رساند؛ همچنین دولت اسلامی با بهره‌مندی از اصل دعوت به تفاهم در عرصه سیاست خارجی دست پیدا می‌کند و با تولید قدرت بر

اساس ساخت رویه‌های اجتماعی از طریق احکام شرعی و ایجاد سبک زندگی اسلامی از تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف جلوگیری می‌کند.

بسیج مردمی و مشارکت مردم به عنوان یکی از عوامل مشروعیت بخش نظام اسلامی با حضور در عرصه‌های گوناگون و با برخورداری بودن از شاخصه‌های فرهنگ جهاد، ایثار، شهادت و ولایتمداری نقش بسزائی در عرصه داخلی دارند و با ارائه تصویری درست از ارزش‌های اخلاقی و انسانی در فرآیند ارتباطات میان فرهنگی در میان کنشگران بین المللی ایفای نقش می‌کند. همچنین دولت اسلامی با تشکیل امت واحده نقش بسیار مهمی را در فرآیند امت سازی ایفا می‌کند؛ زیرا با ایجاد وحدت زمینه تشکیل بزرگترین قدرت دینی در جهان فراهم می‌گردد. لزوم کسب اقتدار به منظور پیاده کردن آرمان‌ها و ایده‌های الهی بدون بهرمندی از حاکمیت الهی امکان پذیر نیست که این حاکمیت در عصر جدید که تحت عنوان حاکمیت فقیه مطرح است. که با اعمال ولایت او به عنوان مهندسی نظام در اجرا می‌توان به تحصیل قدرت در دولت اسلامی پرداخت. زیرا داشتن رهبری مقتدر و الهی یکی از عوامل مهم اقتدار در سطح مدیریت کلان جامعه اسلامی است که عامل حفظ شوکت و عزت دولت اسلامی است و با اتکا به پشتوانه‌ای قوی ولایت است که وحدت و مانع فروپاشی جامعه و با ارائه تدابیر نظام مند از حضور بیگانگان در عرصه‌های مختلف جلوگیری می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
۱. ابراهیم زاده آملی، نبی الله (۱۳۸۵)، حاکمیت دینی، قم: تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ دوم.
 ۲. ابن هشام (۱۳۷۵)، ترجمه سیره النبویه، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابچی، چاپ پنجم.
 ۳. آذری قمی، احمد (۱۳۷۱)، ولایت فقیه از دیدگاه قرآن، قم: دارالعلم، چاپ اول.
 ۴. اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۲)، ارزیابی قدرت نرم قطر، تهران: ابرار، چاپ اول.
 ۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، قدرت نرم فرهنگ و امنیت، تهران: امام صادق (ع)، چاپ اول.
 ۶. بهشتی و باهنر، محمدحسین و محمدجواد (۱۳۶۶)، شناخت اسلام، تهران: فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.
 ۷. بیات، اسدالله (۱۳۶۵)، منابع مالی دولت اسلامی، تهران: کیهان، چاپ دوم.
 ۸. بیکی و خرمشاده، مهدی و محمدباقر (۱۳۸۸)، قدرت نرم ایران، تهران: امام صادق، چاپ اول.
 ۹. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی ایران، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
 ۱۰. توسلی، قدرت الله (۱۳۶۹)، مبانی فکری حکومت در اسلام، قم: نشر عباس صفری، چاپ اول.
 ۱۱. جاوید، محمد جواد (۱۳۸۸)، مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن، تهران: میزان، چاپ دوم.
 ۱۲. جهانگیر، منصور (۱۳۹۵)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دوران، چاپ ششم.
 ۱۳. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: کتابچی، چاپ دهم.
 ۱۴. حسینیان، محمد جعفر (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی جهان اسلام، قم: المصطفی، چاپ اول.
 ۱۵. حق پناه، جعفر (۱۳۹۳)، قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: ابرار، چاپ اول.
 ۱۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: موسسه نشر آثار امام، چاپ پنجم.
 ۱۷. _____ (۱۴۲۱ق)، البیع، تهران: موسسه نشر آثار امام، چاپ اول.
 ۱۸. خواجه سروری و اقبال، غلامرضا و حدیث (۱۳۹۵)، الگوی آرمانی سبک و فرهنگ زندگی اسلامی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان غیر ایرانی، قم: المصطفی، چاپ اول.
 ۱۹. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، اصول روابط بین الملل، تهران: سمت، چاپ اول.
 ۲۰. زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسیط، بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ اول.
 ۲۱. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر قدرت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
 ۲۲. شیداییان، حسین (۱۳۹۲)، قدرت اسلام و جنگ نرم در اندیشه و سیره‌ی امام خمینی (ره)، تهران: زمزم هدایت، چاپ دوم.
 ۲۳. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۱ق)، اقتصاد ما، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران: برهان، چاپ دوم.
 ۲۴. _____ (۱۴۰۳ق)، الاسلام یقود الحیوه، تهران: ارشاد اسلامی، چاپ اول.
 ۲۵. غفوری، محمد (۱۳۸۷)، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر (ص)، تهران: مهاجر، چاپ اول.

۲۶. غلامرضایی و نعمتی انارکی، علی اصغر و داوود(۱۳۹۴)، رسانه و جنگ نرم رویکردی فعال، تهران: انتشارات صداوسیما، چاپ اول.
۲۷. فیرحی، داود(۱۳۹۵)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت، چاپ اول.
۲۸. قمی، محمد مومن(۱۴۲۵ق)، الولاية الالهيه الاسلاميه او الحکومه الاسلاميه زمن حضور المعصوم و زمن الغيبة، تهران: نشر الاسلامی، چاپ اول.
۲۹. قیاسی، جلال الدین(۱۳۸۷)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد(۱۳۸۳)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
۳۱. محمدی، منوچهر(۱۳۶۶)، اصول سیاست خارجی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۳۲. محمودی خراسانی، محمد(۱۳۸۹)، عوامل اقتدار ملی از منظر قرآن و حدیث، تهران: کتاب آشنا، چاپ اول.
۳۳. منتظری، حسینعلی(۱۳۷۱)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، تهران: کیهان، چاپ دوم.
۳۴. میلسن، ژان(۱۳۸۸)، قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم.
۳۵. نائینی، محمد حسین(۱۳۹۳)، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۳۶. هیوود، اندرو(۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نی، چاپ اول.
۳۷. وبر، ماکس(۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه مصطفی عمادزاده، تهران: سمت، چاپ اول.
۳۸. جعفر سبحانی تبریزی، در حکومت اسلامی قدرت در دست کیست، درس‌هایی از مکتب الاسلام، سال نوزدهم، شماره چهارم تیر ۱۳۵۸.
۳۹. حسین علی سعدی، درسنامه فقه قدرت، به اهتمام دکتر پنهان طالبی طادی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تابستان ۱۳۹۷.
۴۰. رحمان قهرمانپور، مقاله تقدم الهام بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۲۸ بهار ۱۳۸۹، دوره ۸.